



فصلنامه گویش پژوهی

نشریه علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

شاپا چاپی: ۵۲۲۵-۲۶۷۶
دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴



بررسی تطبیقی کنایه‌های گویش تاتی و تالشی عنبران با زبان فارسی

A Comparative Study of Idiomatic Expressions in the Tati and Anbarani Taleshi Dialects and Persian

Afshin Khanbabazadeh¹ ✉, Mahnaz Nezami Anbaran²

¹ MA in Ancient Culture and Languages, Department of Ancient Culture and languages, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Tabriz University, Tabriz, Iran. Corresponding author: khababazadhafshin@yahoo.com

² PhD in Persian Language and Literature, Department of Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Azerbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. mahnaznezami10@yahoo.com

افشین خانبابازاده^۱ ✉، مهناز نظامی عنبران^۲

^۱ کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. نویسنده مسئول: khababazadhafshin@yahoo.com

^۲ دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. mahnaznezami10@yahoo.com

چکیده

کنایه‌ها از مهم‌ترین ارکان ادبی در ادبیات شفاهی هستند و همواره گوینده مشخصی ندارند. این گونه ادبی را می‌توان در گفتگوی روزمره مردم جوامع مختلف جست‌وجو کرد. در کنایه‌های، فرهنگ و زبان هر ملتی به طوری شایسته نمایان است. کنایه‌ها به کلام، زیبایی می‌بخشند و جست‌وجوی معنی اصلی و مورد هدف در آن‌ها لذتی خاص دارد. بنابراین بررسی کنایه‌های موجود در گویش‌های ایرانی دارای اهمیت ویژه‌ای است. لذا در این پژوهش کنایه‌های زبان تاتی را که در مناطق وسیعی از ایران و قفقاز جاری است، با کنایه‌های تالشی عنبرانی تطبیق داده و سعی کرده‌ایم که معادل آن‌ها را در زبان فارسی معیار نیز بیابیم تا اشتراکات این دو گویش و زبان فارسی معیار در حوزه کنایه‌ها مشخص شود. ابتدا کنایه‌های تاتی به صورت میدانی و کتابخانه‌ای و کنایه‌های تالشی از میان گفتار روزانه مردم و نیز از طریق شمع زبانی نگارندگان که از گویشوران بومی عنبران هستند انتخاب و با معادل‌های فارسی مقایسه شده‌اند. سپس ویژگی‌های زبانی داده‌ها و اختلاف و اشتراک آن‌ها با نمونه‌های فارسی دسته‌بندی و بررسی شده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که بین فرهنگ تالشان، تات‌ها و فارس‌ها سابقه طولانی داد و ستدها وجود دارد؛ هرچند که زبان فارسی به عنوان زبان معیار در ایران گسترش یافته و زبان نوشتاری در سراسر ایران بوده است.

Abstract: Idioms are among the most significant literary elements in oral literature and often lack an identifiable author. This literary form can be found in the everyday speech of people across different communities, where the culture and language of each nation are distinctively reflected. Idioms enrich verbal expression with aesthetic qualities, while uncovering their underlying intended meanings provides a particular intellectual and interpretive pleasure. Accordingly, examining idioms in Iranian dialects is of considerable significance. This study compares idioms in the Tati language, spoken across extensive areas of Iran and the Caucasus, with those of the Anbarani Talysh dialect and seeks to identify their equivalents in Standard Persian, thereby clarifying the shared features of these varieties in the domain of idiomatic expression. Tati idioms were collected through fieldwork and library research, whereas Anbarani Talysh idioms were extracted from everyday speech and the linguistic intuition of the authors, who are native speakers of Anbaran. The collected data were subsequently classified and analyzed in terms of linguistic features, similarities, and differences from their Persian counterparts. The findings indicate a long history of cultural exchange among Talysh, Tati, and Persian-speaking communities, despite the expansion of Persian as Iran's standard language and its longstanding role as the written language throughout the country.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها

دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

واژگان کلیدی

کنایه‌ها
زبان تاتی
زبان تالشی عنبران
زبان فارسی

History

Received: June 15, 2025
Accepted: Aug. 27, 2025

Keywords

Idioms
Tati Language
Anbarani Talysh
Language
Persian Language

استناد: خانبابازاده، افشین، نظامی عنبران، مهناز (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی کنایه‌های گویش تاتی و تالشی عنبران با زبان فارسی. گویش پژوهی، ۱(۲)، ۳۳-۴۵.
<https://doi.org/>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، فصلنامه گویش پژوهی، مجله علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۱. مقدمه

کنایه‌ها و مثل‌ها از نمودهای فرهنگی مردمی هستند که زبان و ادب شفاهی خود را غنی ساخته‌اند و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند. در این گذار، از غنای خویش به ادب رسمی نیز اثری مستقیم بخشیده‌اند، تا جایی که آثار شاعران بزرگی چون نظامی، سنایی، سعدی، مثنوی مولوی و غیره مملو از جلوه‌های ادبیات عامیانه است.

کنایه‌ها در بیان و کلام روزانه مردم جاری هستند و نماینده اجتماع و فرهنگ جوامع خود می‌باشند. به همین سبب می‌توان گفت، یکی از سرمایه‌های عظیم هر تمدن ادبیات عامه آن است. ادبیات عامه یا ادبیات شفاهی، بخش بزرگی از فرهنگ عامه، و از آفریده‌های ذهنی توده مردم است که در میان مردم جامعه رشد می‌کند و کمال و بالندگی می‌یابد، و مطابق با فرهنگ گروه‌های گوناگون اجتماعی و قومی و زبانی، و متناسب با زمان و مکان، دگرگونی‌هایی در شکل و محتوای آن پدید می‌آید. این نوع از ادبیات، تمام گونه‌های روایت‌های منشور و منظوم شفاهی را در میان جامعه‌های ایلی، روستایی و شهری، مانند قصه یا افسانه، حکایت، ترانه، تصنیف، لالایی، چیستان، مثل، و مثل و غیره دربرمی‌گیرد (بلوکباشی، ۱۳۷۷: ۲۱۳).

کنایه یکی از اصلی‌ترین آرایه‌های ادبی است که سهم قابل توجهی را در ادبیات رسمی و عامیانه به خود اختصاص داده است. به اعتقاد همایی (۱۳۸۹: ۱۶۷):

«کنایه در لغت، به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند. پس گوینده، آن جمله را چنان ترکیب کند و به کار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد»

در ادبیات شفاهی «کنایه از طبیعی‌ترین راه‌های بیان است که در گفتار عامه مردم و امثال و حکم رایج در زبان ایشان فراوان می‌توان یافت و تقسیم‌بندی‌های علمای بلاغت هیچ‌گاه نمی‌تواند جدولی برای حدود آن تعیین کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۴۸). خاستگاه اغلب کنایات در دایره محسوسات زندگی و برگرفته از تجربیات مثبت و منفی مردمی است که در گفتار خود به کار می‌برند تا مخاطب برای رسیدن به هدف اصلی گوینده، توجه بیشتری داشته باشد و این دقت برای جستجوی معانی اصلی، دارای لذتی خاص است که شفیی کدکنی نوشته: «اگر چیزی را به همان نام که هست یعنی به نام اصلی خودش بنامیم، سه چهارم لذت و زیبایی بیان را از میان برده‌ایم؛ زیرا کوششی که در ذهن برای ایجاد پیوند میان معانی و ارتباط اجزای سازنده خیال دارد، بدین گونه از میان می‌رود و آن لذت که حاصل جست‌وجوست به صورت ناچیزی در می‌آید. پس کنایه یکی از صورت‌های بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار است. بسیاری از معانی را که اگر با منطق عادی گفتار ادا کنیم لذت بخش نیست و گاه مستهجن و زشت می‌نماید، از رهگذر کنایه می‌توان به اسلوبی دلکش و مؤثر بیان کرد. جای بسیاری از تعبیرات و کلمات زشت و حرام را می‌توان از راه کنایه به کلمات و تعبیراتی داد که خواننده از شنیدن آن‌ها هیچ‌گونه امتناعی نداشته باشد و شاید سهم عمده در استعمال کنایات در همین حوزه مفاهیمی باشد که بیان مستقیم عادی آن‌ها مایه تنفر خاطر است» (همان، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ و ۱۴۱۱). همان‌طور که آمد کنایات در هر گویشی قسمت وسیعی از ادبیات عامیانه منطقه‌ای را که در آن رواج دارد به خود اختصاص داده‌اند و گویش تاتی و تالشی نیز از این امر مستثنی نیست. همان‌طوری که سبزعلی‌پور بیان کرده است در امثال و حکم گنجینه‌های فراوانی از واژگان اصیل زبانی یافت می‌شوند: «اگر کسی بخواهد از منظر زبانی امثال و حکم را بررسی کند در دل آنها گنجینه‌های فراوانی از واژگان زبان پیدا می‌شوند. نه تنها واژه‌های یک زبان، بلکه گاه ویژگی‌های یک زبان به طور کامل در امثال و حکم نهفته است؛ یعنی اگر دستورنویسی به سراغ امثال و حکم برود، می‌تواند با استفاده از این داده‌های زبانی، تمام ویژگی‌های زبان شناختی آن گویش را توصیف کند.» (سبزعلی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۵۷). ایشان در ادامه نیز به وجود ویژگی‌های کهن زبان در دل کنایات و ضرب‌المثل‌ها اشاره کرده و می‌نویسد: «اغلب

امثال و حکم در زمان‌های قدیم ساخته شده‌اند؛ یعنی ویژگی‌های کهن زبان را با خود دارند و از بخش‌های طبیعی زبان هستند» (همان، ۱۶۵).

«در جهان مدرن رابطهٔ چیرگی و قدرت زبانی بیش از هر زمان دیگر در تاریخ بشر پدیدار است. همان‌گونه که چیرگی بشر بر پهنهٔ طبیعت پس از انقلاب صنعتی، و دستیازی دائمی انسان به سود خود در آن، بخش بزرگی از گونه‌های گیاهی و جانوری را نابود کرده یا در خطر نابودی قرار داده است، در عالم زبانی نیز فرادستی زبان‌های توانمند مدرن، زبان‌های بسیار را از میان برده یا با خطر نابودی روبرو کرده است» (آشوری، ۱۳۸۷: ۱۵). باید به خاموش شدن و انقراض یک زبان حساس باشیم و برای تمام گویشوران و محققان مهم باشد. بشیرنژاد (۱۳۸۳: ۷۰) معتقد است که زبان بخشی از هویت قومی و نژادی یک ملت است و به قول ساموئل جانسون «زبان هر ملت شجره‌نامه آن ملت است» از این‌رو مرگ زبان تنها از میان رفتن یک ابزار ارتباطی نیست، بلکه مرگ یک فرهنگ با تمام گذشته و دیرینه آن و مرگ یک ملت با تمام هویت قومی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی آن است.

کنایه‌ها یکی از مهمترین گونه‌های زبانی هستند که صورت کهن واژگان زبانی را حفظ کرده‌اند و نیازمند بررسی و تحلیل می‌باشند. بنابراین در این پژوهش کنایات زبان تاتی و تالشی گونهٔ عنبران که بیشتر شکل گفتاری دارند؛ بررسی شده است تا ویژگی‌های زبانی و واژگانی این زبان‌ها، در مقایسه با زبان فارسی، مشخص و روشن گردد. در این مقاله، کنایات تالشی از میان گفتار روزانهٔ مردم و نیز از طریق شم زبانی نگارندگان که از گویشوران بومی عنبران هستند انتخاب شده است و کنایات تاتی از بین گویشوران تاتی و همچنین از کتاب گنجینه‌ای/از حکمت تات نوشتهٔ جواد معراجی لرد انتخاب شدند و با معادل‌های فارسی مقایسه گردیده، ویژگی‌های زبانی داده‌ها و اختلاف و اشتراک آن‌ها با نمونه‌های فارسی دسته‌بندی و بررسی شده است.

۱-۱. سرزمین و زبان تات‌ها و تالشان

تات نام قومی است که در سرزمین‌های وسیعی در ایران، جمهوری آذربایجان و در بعضی از نقاط داغستان سکونت دارند. این قوم به زبان تاتی سخن می‌گویند که جزء زبان‌های شمال غربی ایران می‌باشد. «تاتی از زبان‌های ایرانی نو شمال غربی، به دو دسته تقسیم شده است؛ تاتی شمالی که در جمهوری آذربایجان و داغستان و مناطق دیگر رواج دارد، و تاتی جنوبی که مجموعه‌ای از زبان‌های تاتی است و در ایران فعلی متداول است. نقاطی از ایران که در حال حاضر به تاتی تکلم می‌کنند، عبارتند از: ۱. مناطقی در جنوب غرب قزوین (شامل گونه‌های تاکستانی، شالی، خارجی، ابراهیم‌آبادی، سگزآبادی، دانسفهان، اسفرورینی و خوزینی) و اشتهارد، ۲. خلخال (شامل گونه‌های: اسکستانی، آسبویی، دروی، کلوری، شالی، دیزی، گرینی، لردی، گیلوانی، کهلی، تارم دشتی و ... در بخش شاهرود، و گونه‌های گجلی و گرنقی در بخش خورش‌رستم)، ۳. خویین در ۶۲ کیلومتری جنوب غربی زنجان و تارم علیا (شامل گونه‌های نوکیانی سیاوردی، هزاررودی، جمال‌آبادی و باکلوری، کله‌سری، شاوایی چرزه‌یی)، ۴. آذربایجان شرقی (شامل هرزند و دیزمار، کرینگان کلپیر و مناطقی دیگر)، ۵. رودبار، الموت و کوهپایه، ۶. شمال خراسان، جلگهٔ شوغان و منطقهٔ چهارده سنخواست» (سبزعلی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۷). و اما سرزمینی که تالشان در آن زندگی می‌کنند «مناطق هستند که علی‌رغم تقسیمات کشوری و مرزهای سیاسی همواره در طول تاریخ مورد اسکان و معیشت تالش‌زبان‌ها قرار داشته و دارد. این سرزمین در محدوده‌ای قرار دارد که از ابتدای رشته‌کوه‌های تالش و دامنه‌های شمالی آن در جنوب گیلان و از ساحل غربی سفیدرود شروع شده و در ناحیهٔ ماسوله به سمت شمال انحنا می‌یابد که پس از عبور از دامنه‌های شرقی این رشته‌کوه‌ها (در غرب گیلان و دریای کاسپین) به سرحدات رودخانه کورا و کوه‌های قفقازیه در جمهوری آذربایجان منتهی می‌شود» (ماسالی، ۱۳۹۵: ۲۰). زبان تالشی جزء زبان‌های شمال غربی ایران است که در مناطق وسیعی متداول است. رضایتی کیشه‌خاله تالشی را به سه گروه تالشی شمالی، مرکزی، و جنوبی تقسیم می‌کند و می‌نویسد: «مقصود از تالشی شمالی، تالشی آن

سوی رود ارس، یعنی تالشی جمهوری آذربایجان است که ادامه آن در ایران تا کرگان رود تالش، پیش رفته است. مراد از تالشی مرکزی، گویش‌هایی است که در قلمرو دو رودخانه شفارود در جنوب، و ناورود در شمال، تداول دارد. مراد از تالشی جنوبی، تالشی مناطق میان شفارود تا سفیدرود است که شامل تالشی خوشابری، ماسالی، ماسوله‌ای، سیاهمزی و دیگر گویش‌های جلگه‌ای گیلان می‌شود» (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۹).

۲. پیشینه تحقیق زبان تالشی و تاتی

تاکنون مطالعات بسیاری درباره زبان تالشی و تاتی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به فرهنگ تاتی و تالشی عبدلی (۱۳۶۳) اشاره کرد. همچنین بازن^۱ (۱۳۶۷) کتابی درباره تالش، منطقه‌ای قومی در شمال ایران نگاشته است. کسروی تبریزی (۱۳۷۹) نیز در کتاب خود در این مورد نکاتی دارد. ذکاء (۱۳۷۹) در کتاب خود با عنوان *جستارهایی درباره زبان مردم آذربایگان* و با مقدمه ریاحی به این موضوع پرداخته است. عبدلی (۱۳۸۰) به بررسی ادبیات و میراث فرهنگی تات‌ها و تالش‌ها در ایران و جمهوری آذربایجان می‌پردازد. این منبع از منابع مرتبط با زبان، ادبیات و فرهنگ این جوامع به شمار می‌رود. این اثر برای مطالعه پیوندهای زبانی و فرهنگی میان جوامع تات و تالش و نیز بررسی پیشینه تاریخی و ادبی آن‌ها منبعی قابل استفاده است. سبزی‌پور (۱۳۸۶) به توصیف زبان تاتی و بررسی ویژگی‌های گویش تاتی رودبار می‌پردازد و از جنبه‌های آوایی، واژگانی و دستوری این گویش را بررسی می‌کند. این اثر از منابع مهم برای مطالعه و مستندسازی گویش تاتی رودبار و شناخت ویژگی‌های زبانی گونه‌های تاتی در شمال ایران به شمار می‌رود. رضایتی کیشه‌خاله (۱۳۹۰) به شرح و توصیف دستور زبان تالشی پرداخته، گونه تالشی بررسی شده او گونه مرکزی تالش است. اثر او به توصیف ساختار دستوری زبان تالشی اختصاص دارد و نویسنده در آن ویژگی‌های آوایی، صرفی و نحوی این زبان را بررسی کرده است. معراجی لرد (۱۳۸۸) نیز فرهنگ موضوعی دو زبان به تاتی و فارسی تألیف کرده است. عبدلی (۱۳۸۹) در کتاب خود به بررسی تات‌های ایران و قفقاز از جنبه‌های تاریخی، جغرافیایی، زبانی و فرهنگی می‌پردازد و به پراکندگی و ویژگی‌های جوامع تات در این مناطق توجه دارد. این اثر از این نظر مهم است که شناخت جایگاه تات‌ها در میان گروه‌های زبانی و قومی ایران و قفقاز و بررسی پیوندهای تاریخی و فرهنگی آن‌ها را میسر می‌سازد.

مقایسه واژگان گونه‌های مختلف تاتی و تالشی در محدوده آستارا تا فومن را طرقدار (۱۳۹۶) انجام داده است. او تفاوت‌ها و شباهت‌های واژگانی این گونه‌ها را نشان می‌دهد و به مطالعه گویش‌شناسی، زبان‌شناسی تطبیقی و بررسی تنوع زبانی منطقه گیلان و غرب گیلان می‌پردازد. شیخ سنگ تجن (۱۳۹۵) در پژوهش خود با استفاده از رویکرد واج‌شناسی غیرخطی به بررسی و تحلیل آواهای گویش تالشی می‌پردازد و ویژگی‌های واجی و ساختارهای آوایی این گویش را بررسی می‌کند. این اثر از منابع تخصصی برای شناخت نظام آوایی و واجی زبان تالشی به شمار می‌رود. خان‌بازاده (۱۳۹۷) در مقاله خود چند ضرب‌المثل از زبان تالشی شمالی، حوزه عنبران انتخاب و آن‌ها را با موارد مشابه در زبان فارسی مقایسه کرده است.

سبزی‌پور (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به بررسی گستره جغرافیایی زبان تاتی و پراکندگی گونه‌های آن در نواحی مختلف ایران می‌پردازد و با رویکردی تاریخی، ارتباط و پیوندهای احتمالی آن را با پهلوی اشکانی بررسی می‌کند. این اثر برای مطالعه جایگاه تاریخی زبان تاتی و تبارشناسی زبان‌های ایرانی شمال غربی اهمیت دارد. نصرتی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به بررسی رابطه زبانی میان گونه‌های موسوم به تاتی خلخال و زبان تالشی می‌پردازد و با مقایسه ویژگی‌های زبانی، جایگاه این گونه‌ها را در میان زبان‌ها و گویش‌های ایرانی شمال غربی بررسی می‌کند. پژوهش او از نظر شناخت تنوع زبانی منطقه خلخال و پیوندهای تاریخی و زبانی تاتی و تالشی حائز توجه است.

¹ M. Bazin

خانبابازاده و نظامی عنبران (۱۴۰۲الف) در مقاله خود واژگان باستانی بازمانده در چندین ضرب‌المثل از ضرب‌المثل‌های تالشی شمالی را بررسی و واژگان باستانی موجود در این مثل‌ها را ریشه‌یابی کرده‌اند. آن‌ها در مقاله‌ای دیگر به نام «بررسی تطبیقی کنایات زبان تالشی شمالی با زبان فارسی» (۱۴۰۱) چندین کنایه مشترک در زبان تالشی و فارسی را بررسی و در پایان کنایات مختص زبان تالشی را که در زبان فارسی معادل نداشته‌اند استخراج کرده‌اند. خانبابازاده و نظامی عنبران (۱۴۰۲ب) در مقاله دیگری نیز با عنوان «بررسی تطبیقی کنایات زبان تالشی شمالی با کنایات زبان سیستانی و فارسی» به بررسی و مقایسه کنایه‌های زبان تالشی شمالی با کنایه‌های زبان سیستانی و فارسی می‌پردازند. هدف از پژوهش اخیر آن‌ها، شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و معنایی کنایه‌ها و بررسی بازتاب ویژگی‌های فرهنگی و زبانی در این کنایه‌هاست. معراجی لرد (۱۴۰۲) گنجینه‌ای از فرهنگ تات را تألیف کرده است. چندین مقاله و پایان‌نامه دیگر نیز در این حوزه به انجام رسیده است. اما هیچ پژوهشی در زمینه تطبیق کنایه‌های سه گونه زبانی تاتی، تالشی و فارسی صورت نگرفته است. لذا انجام این پژوهش در شاخه تطبیقی کنایات گویش تاتی و تالشی عنبران با زبان فارسی ضروری به نظر رسید.

۳. روش تحقیق

این پژوهش تلفیقی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است. ابتدا کنایات تاتی از بین گویشوران تاتی و همچنین از کتاب *گنجینه‌ای از حکمت تات* نوشته معراجی لرد (۱۳۸۸) انتخاب شدند و کنایات تالشی از میان گفتار روزانه مردم و نیز از طریق شم زبانی نگارندگان که از گویشوران بومی عنبران هستند گزینش و با معادل‌های فارسی مقایسه شدند. سپس ویژگی‌های زبانی داده‌ها و اختلاف و اشتراک آن‌ها با نمونه‌های فارسی دسته‌بندی و مورد بررسی قرار گرفتند. بنابراین کنایات جمع‌آوری شده در سه گروه دسته‌بندی شده‌اند:

نوع اول: در این قسمت کنایاتی مورد بررسی قرار گرفتند که شباهت بسیار زیاد و در حد یکسانی دارند، به گونه‌ای که می‌توان گفت ترجمه کنایه معادل‌شان در یکی از این سه زبان و دارای مفهوم و پیام مشترکی هستند. این گروه از ترکیب‌های کنایی به علت تبادل فرهنگی، زبانی و داشتن نیایی مشترک به یک شکل در بین هر سه زبان رایج است.

نوع دوم: کنایاتی هستند که در مفهوم و پیام یکی می‌باشند و از نظر ساختارهای نحوی و لغوی هم بسیار نزدیک هستند. فقط موجوات و یا اشیاء و مکان‌ها با هم فرق دارند که این تفاوت را باید ناشی از محیط جغرافیایی و نوع زندگی دانست.

نوع سوم: کنایه‌هایی هستند که نه در ترجمه و نه در معادل و مفهوم، از آن‌ها در زبان دیگر یافت نشد و این کنایات مختص همان زبان هستند و جنبه محلی دارند و اصولاً در مناطق دیگر کاربرد ندارد و به صورت جداگانه برای زبان تاتی و تالشی آورده شد.

۴. بحث و بررسی

در این بخش سه نوع کنایه‌های شرح داده شده در بخش روش پژوهش، به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۴-۱. کنایه‌های نوع اول

در این قسمت ۴۰ مورد از کنایات سه زبان بررسی می‌شود که کنایات تالشی عنبران به صورت میدانی جمع‌آوری شده است.

۱- تاتی لرد: øštan das.ə.na øštan qabr.ə. kandar.

برگردان فارسی: با دست خود قبر خود را می‌کند.

معنای کنایی: خودش با رفتار و کردار نامناسب خود، باعث بدبختی خود می‌شود (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۳۵).
تالشی عنبران: əštān dāstanda əštān qaveš kāndə.
برگردان فارسی: با دستان خود قبر خود را کند.
کاربرد: وقتی که کسی برای خودش مشکلات و گرفتاری درست کند و باعث بدبختی خود شود، گفته می‌شود.
معادل فارسی: «گور خود را کندن: کنایه از موقعیت خود را به خطر انداختن» (انوری، ۱۳۸۳: ۱۳۷۵).
مقایسه: در هر سه زبان این کنایه در مورد فردی به کار می‌رود که با کارهایش باعث بدبختی خود شود.

۲- تاتی لرد: əstan sādima.k tarsar.
برگردان فارسی: از سایه خودش می‌ترسد.
معنای کنایی: یعنی بسیار ترسو و بزدل است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۳۵).
تالشی عنبران: əštān sokoan tārsanay.
برگردان فارسی: از سایه خود هم می‌ترسد.
کاربرد: وقتی که کسی در هر شرایطی ترس بر او غلبه کند، گفته می‌شود.
معادل فارسی: «از سایه خود ترسیدن: کنایه از نهایت ترسو بودن است» (خضرای، ۱۳۸۲: ۱۳۶۳).
مقایسه: در هر سه زبان کنایه از نهایت ترسو بودن است و نسبت به همه چیز سوءظن داشتن.

۳- تاتی لرد: ātaša pārayə.
برگردان فارسی: آتش پاره است.
معنای کنایی: چست و چالاک / یعنی فلانی خیلی زبر و زرنگ است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۷۴).
تالشی عنبران: ōtaša pua.
برگردان فارسی: آتش پاره.
کاربرد: موقع تعریف و تمجید از کسی گفته می‌شود.
معادل فارسی: «آتش پاره: کنایه از شوخ و شنگ و بسیار جوش و خروش» (ثروت، ۱۳۷۵: ۱۱).
مقایسه: در هر سه زبان این کنایه در مورد فردی به کار می‌رود که در انجام کارهایش سریع باشد.

۴- تاتی لرد: əstan sar.əš pilla səg.ə bizzī.
برگردان فارسی: سر خودش را به سنگ بزرگ زد.
معنای کنایی: یعنی بی‌خود کرد که علیه تو کاری انجام داد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۳۶).
تالشی عنبران: əštān saš ba seqə ūkoya.
برگردان فارسی: سرش را به سنگ کوبید.
کاربرد: یعنی اشتباه کرد.
این کنایه در زبان تالشی عنبران به صورت دیگری هم گفته می‌شود: seqə saš geni ba
برگردان فارسی: سرش به سنگ خورد.

کاربرد: زمانی که کسی به راهنمایی دیگران توجه نکند و در انجام کاری لجاجت به خرج بدهد و بعد انجام کار شکست بخورد و ناکام بشود گفته می‌شود.

معادل فارسی: «سر به سنگ خوردن». کنایه از به سزای خود رسیدن و تنبیه شدن» (خضرای، ۱۳۸۲: ۶۲۳).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از صدمه دیدن، بعد از لجاجت کردن در کاری است.

۵- تاتی لرد: *pass.ə varg.ə dərasmārdar*.

برگردان فارسی: گوسفند را به گرگ می‌سپارد.

معنای کنایی: از روی ساده‌لوحی به دشمن اعتماد می‌کند و از او انتظار دوستی دارد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۷۴).

تالشی عنبران: *pasōneš ba nəči dasbārday*.

برگردان فارسی: گوسفندان را به گرگ سپرده است. کاربرد: زمانی که فردی امانتی برای نگهداری به آدم حریص و بی‌رحم بسپارد، به کار می‌رود.

معادل فارسی: «گوسفند را به گرگ سپردن» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۳۳۰). وقتی که چیز باارزشی را به دست فرصت‌طلب بسپارند گفته می‌شود.

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از اعتماد بی‌جا به افراد حریص و طمع‌کار آمده است.

۶- تاتی لرد: *tulki viš.tar zānə*.

برگردان فارسی: بیشتر از روباه می‌داند.

معنای کنایی: یعنی آدم زیرک و حيله‌گری است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۸۰).

تالشی عنبران: *revōsesa vei zena*.

برگردان فارسی: از روباه بیشتر می‌داند.

کاربرد: در مورد افراد حيله‌گر و مکار کاربرد دارد.

معادل فارسی: «مثل روباه: حيله‌گر و مکار» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۶۷۴).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از فردی حيله‌گر و مکار است.

۷- تاتی لرد: *səba čāf.ə.na, daryā najəs ānibya*.

برگردان فارسی: با آب دهان سگ، دریا نجس نمی‌شود.

معنای کنایی: با افترا و تهمت فرد ناپاک و بد زبان، ساحت آدم پاک‌دامن و پاک‌نهاد آلوده نمی‌شود (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۲۱).

تالشی عنبران: *deyō sepa gavanda merdōl nibabə*.

برگردان فارسی: دریا با دهان سگ کثیف و نجس نمی‌شود.

کاربرد: در مواقعی که کسی بخواهد به افراد پاک و دانا تهمت ناروا بزند گفته می‌شود.

معادل فارسی: «دریا به دهان سگ نجس نمی‌شود: کنایه از با بدگویی سفلگان به نیکان گزندگی نرسد» (رحماندوست، ۱۳۹۰: ۵۲۳).

مقایسه: این کنایه در هر سه زبان بیان کننده این جمله می‌باشد: بدگویی و افترای فرومایگان از شهرت و مقام بزرگان چیزی نمی‌کاهد.

۸- تاتی لرد: *səba əştan sähāb.ə ānəzānsariya.*

برگردان فارسی: سگ صاحب خودش را نمی‌شناسد.

معنای کنایی: یعنی فلان جا به قدری شلوغ است که کسی به کسی اهمیت نمی‌دهد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۳۵).

تالشی عبران: *sepa əştān xāndə zenani.*

برگردان فارسی: سگ صاحبش را نمی‌شناسد.

کاربرد: در مواقعی که جایی زیاد شلوغ باشد و هیچ چیز سر جایش نباشد گفته می‌شود.

معادل فارسی: «سگ صاحبش را نمی‌شناخت» (نمی‌شناسد): بسیار شلوغ و پرازدحام» (انوری، ۱۳۸۳: ۹۵۲).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از شلوغی بیش از حد جایی است.

۹- تاتی لرد: *səba šuār haft gēla jān dārə.*

برگردان فارسی: مثل سگ هفت تا جان دارد.

معنای کنایی: یعنی خیلی سرسخت و سگ‌جان است و به این زودی نمی‌میرد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۲۲).

تالشی عبران: *sepa taki häft gela jōneš həstə.*

برگردان فارسی: مثل سگ هفت تا جان دارد.

کاربرد: در مواقعی که کسی در برابر سختی‌ها و مشکلات مقاوم باشد گفته می‌شود.

معادل فارسی: «سگ هفت جان دارد» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۴۹۰).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از سر سخت بودن و مقاوم در برابر مشکلات است.

۱۰- تاتی لرد: *ča səg.ə əştān sina.k ziyar.*

برگردان فارسی: سنگ او را بر سینه خود می‌زند.

معنای کنایی: کنایه از طرفداری بیش از حد از یک نفر (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۹۸).

تالشی عبران: *čavə seyə baštān sina žana.*

برگردان فارسی: سنگ او را به سینه خود می‌زند.

کاربرد: زمانی که کسی به سود کسی حرف بزند و از او حمایت کند، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «سنگ کسی را به سینه زدن: از کسی آشکارا و به شدت از او طرفداری کردن، در جهت منافع

کسی اقدام کردن» (نجفی، ۱۳۷۸: ۹۶۰).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از حمایت کردن و طرفداری کردن از کسی است.

۱۱- تاتی لرد: *čavə āftow.a, bān.ə marz.əkā.*

برگردان فارسی: آفتاب او، بر لب بام است.

معنای کنایی: کنایه از این که فلانی روزهای آخر عمرش را سپری می‌کند (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۹۴).

تالشی عنبران: حشیش دپرتی رو ماندی. hašiš dapər̄tiye ru mānday.

برگردان فارسی: چیزی به غروب آفتابش نمانده است.

کاربرد: موقع نزدیک شدن مرگ کسی گفته می‌شود.

معادل فارسی: «آفتاب لب بام: به موقع نزدیکی مرگ کسی گویند» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۲۲).

مقایسه: در هر سه زبان برای اشاره به کسی که عمرش روبه پایان است و یا بسیار پیر است به کار می‌رود.

۱۲ – تاتی لرد: čəman čašm.a ow ānəxariya.

برگردان فارسی: چشم من آب نمی‌خورد.

معنای کنایی: یعنی به انجام گرفتن فلان کار خیلی امیدوار و خوش بین نیستم (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۹۱).

تالشی عنبران: čemān čaš ūv hānani.

برگردان فارسی: چشم من آب نمی‌خورد.

کاربرد: زمانی که به انجام کاری امید نداشته باشند، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «چشم کسی آب نخوردن: از کسی یا چیزی امید نداشتن، امیدوار نبودن» (نجفی، ۱۳۷۸: ۴۲۹).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از امید نداشتن است.

۱۳ – تاتی لرد: čašm.əš dəbassendə, garəš ākard.

برگردان فارسی: چشم‌ها را بست و دهانش را گشود.

معنای کنایی: مراد این که فلانی با کمال بی‌شرمی هرچه به دهانش آمد، به طرف مقابل فحش و ناسزا گفت

(معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۳۵).

تالشی عنبران: əštān čašoneš bāstə gaveš ūkərdə

برگردان فارسی: چشمان خود را بست، دهانش را باز کرد.

کاربرد: زمانی که کسی بددهنی و بی‌آزرمی و دشنام بدهد، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «چشمش را بست و دهانش را باز کرد: اشاره به بددهنی و بی‌آزرمی و دشنام‌دهی او دارد»

(خضرای، ۱۳۸۲: ۳۳۳).

مقایسه: در هر سه زبان اشاره به بددهنی و بی‌آزرمی دارد.

۱۴ – تاتی لرد: gow.əšān.a dolbāngi zandā.

برگردان فارسی: گاوشان دوقلو زاییده است.

معنای کنایی: یعنی یعنی شانس و اقبال به آن‌ها روی آورده است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۴۸).

تالشی عنبران: goš zānde.

برگردان فارسی: گاوش زایید.

کاربرد: وقتی پیش‌آمد ناگوار و غیرمترقبه‌ای اتفاق بیافتد می‌گویند. اما گاهی هم معنای متضاد خود به کار می‌رود،

زاییدن گاو کسی کنایه از به دولت رسیدن، روی آوردن بخت به او (میرزانی، ۱۳۷۸، ۶۹۷).

معادل فارسی: «گاوش زاییده» (خضرای، ۱۳۸۲: ۹۴۲).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از دولت رسیدن است اما در زبان تالشی علاوه بر دولت و اقبال، در معنای متضاد هم کاربرد دارد، پیش‌آمد ناگوار و غیرمترقبه برای کسی پیش بیاید گفته می‌شود.

۱۵ – تاتی لرد: asb.a tājəni kardar.

برگردان فارسی: اسب تازی می‌کند.

معنای کنایی: کنایه از رفتار متکبرانه و ظالمانه کسی که بر اسب مراد خود سوار شده است دارد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۸۰).

تالشی عنبران: hārjurə əštān āsbešōn tužni.

برگردان فارسی: هرطوری اسب‌شان را تازانند.

کاربرد: زمانی که کسی بدون رعایت دیگران به دلخواه خویش برسد و حق دیگران را نیز با خشونت ضایع کند گفته می‌شود.

معادل فارسی: «هر اسب و استری که داشتن تازاندن: بدون رعایت دیگران در خشونت و خودسری تند روی کردند» (خضرای، ۱۳۸۲: ۹۶).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از داشتن رفتاری ظالمانه و خودسری است.

۱۶ – تاتی لرد: čašm, čašm.ə nivindar.

برگردان فارسی: چشم، چشم را نمی‌بیند.

معنای کنایی: اشاره به جای بسیار تاریک و در مورد کولاک شدید هم کاربرد دارد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۰۴).

تالشی عنبران: čaš, čašə vinani.

برگردان فارسی: چشم، چشم را نمی‌بیند.

معنای کنایی: بدی هوا

کاربرد: وقتی بخواهند بدی هوا، و مه‌آلود بودن بیش از حد را بیان کنند گفته می‌شود.

معادل فارسی: «چشم چشم را ندیدن: بسیار تاریک بودن» (انوری، ۱۳۸۳، ۴۰۴).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از تاریکی و بدی آب و هوا می‌باشد.

۱۷ – تاتی لرد: səba jān.ə.

برگردان فارسی: سگ‌جان است.

معنای کنایی: یعنی فلانی خیلی مقاوم و سخت‌کوش و خستگی‌ناپذیر است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۳۳).

تالشی عنبران: sepa jōnəšə həst.

برگردان فارسی: جان سگ دارد.

معنای کنایی: زود تسلیم نشدن، جان‌سخت بودن، مقاوم بودن، زود نمردن.

کاربرد: در مورد کسی که حوادث و مشکلات بر او اثر چندانی نداشته باشد گفته می‌شود.

معادل فارسی: «سگ‌جانی: کنایه از سخت‌جانی و حریص بودن» (ثروت، ۱۳۷۵، ۳۰۲).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از سخت‌کوشی و مقاوم بودن است.

۱۸ – تاتی لرد: handigar.ə.na səba piši.ndə.

برگردان فارسی: با هم مثل سگ و گربه‌اند.

معنای کنایی: یعنی شدیداً با هم اختلاف دارند (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۶۴).

تالشی عنبران: sepa pišik kimi yadə hānan.

برگردان فارسی: مثل سگ و گربه همدیگر را می‌خورند.

کاربرد: به دو شخصی که دائماً در جدال و مخالف هم دیگر باشند، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «مثل سگ و گربه: کنایه از جدال دائم دو نفر با هم» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۶۷۶).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از ستیز دائم دو نفر است.

۱۹ – تاتی لرد: fəlān.kas lāp bigir.a səba šuār gāz katar.

برگردان فارسی: فلانی درست مثل سگ هار گاز می‌گیرد.

معنای کنایی: کنایه از آدم جنجالی و ستیزه‌جو که بدون دلیل با هر کس در می‌افتد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۴۵).

تالشی عنبران: sepa taki hār bay

برگردان فارسی: مثل سگ هار شده است.

کاربرد: در مواقعی که آدم پستی صاحب منصبی شود و قدرت‌نمایی کند، گفته می‌شود.

معادل فارسی: مثل سگ هار: کنایه از آدم دائماً خشمگین و دشنام‌گوینده است» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۶۷۶).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از آدم دائماً خشمگین و همیشه در ستیز با دیگران است گفته می‌شود.

۲۰ – تاتی لرد: parvijin.ə.na ow bardan.

برگردان فارسی: با الک آب حمل کردن.

معنای کنایی: کنایه از کار بی‌هوده و غیر ممکن انجام دادن (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۹۸).

تالشی عنبران: pərjinanda ōvə vāna.

برگردان فارسی: با الک آب می‌آورد.

کاربرد: برای کاری نشد تلاش می‌کند.

معادل فارسی: «آب به غربال پیمودن: کنایه از عملی بی‌فایده کردن» (خضرای، ۱۳۸۲: ۲۵).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از کاری بی‌هوده انجام دادن است.

۲۱ – تاتی لرد: ham xodāš ga, ham xormā.

برگردان فارسی: هم خدا را می‌خواهد، هم خرما را.

معنای کنایی: یعنی زیاده‌خواه و طماع و پرتوقع است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۶۴).

تالشی عنبران: xedō an piyana xemō an

برگردان فارسی: خدا را هم می‌خواهی، خرما را هم.

کاربرد: کسی که همه چیز را برای خود بخواهد و هیچ حق و حقوقی برای دیگران قائل نباشد به کار می‌رود.

معادل فارسی: «هم خدا را می‌خواهد، هم خرما را: همه چیز را برای خود خواستن» (رحماندوست، ۱۳۹۰: ۱۰۷۷).

مقایسه: در هر سه زبان این کنایه در مورد فردی به کار می‌رود که تمام چیزهای خوب را برای خود می‌خواهد و خودخواه است. «این مثل در مورد افرادی به کار می‌رود که دو امتیاز، دو سود، دو درآمد، دو موقعیت یا کلاً دو چیزی را با هم می‌خواهند که داشتن هر دوی آن‌ها منطقی نیست و باید حتماً یکی را انتخاب کنند» (رحماندوست، ۱۳۹۰: ۱۰۷۸).

۲۲- تاتی لرد: anda gəl.ə jir.əkə. anda.yi kə gəl.ə sar.əkə. do

برگردان فارسی: آنقدر که روی زمین است، دو برابر آن زیر زمین است.

معنای کنایی: اشاره به آدم‌های کوتاه‌قد حیل‌گر و زیرک که دیگران را فریب می‌دهند (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۹۲).

تالشی عنبران: axta ki zaminə piyō de axta zaminə žiyō.

برگردان فارسی: آن قدر که روی زمین است همان قدر هم زیر زمین قرار دارد.

کاربرد: در مورد افرادی گفته می‌شود که همه حیل‌ها و ترفندهای شرورانه خود را بروز ندهد.

معادل فارسی: «آن قدر که روی زمین است دو آن قدر زیر زمین است» (شکورزاده بلوری، ۱۳۷۲: ۴۱).

معنای کنایی در هر سه زبان: حیل‌گر، زیرک و کلک‌باز.

مقایسه: در هر سه زبان این کنایه در مورد فردی به کار می‌رود که خیلی حیل‌گر است و در گول زدن افراد موفق عمل می‌کند.

۲۳- تاتی لرد: čašm.əš xun.ə katandə

برگردان فارسی: چشم‌هایش را خون گرفته است.

معنای کنایی: یعنی به قدری خشمگین و عصبانی است که احتمال دارد خون راه بیندازد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۰۴).

تالشی عنبران: čašōneš pura xun ban

برگردان فارسی: چشمانش پر از خون شده است.

معنای کنایی: نهایت خشم و عصبانیت گفته می‌شود.

معادل فارسی: «چشم‌هایش مثل دو تا کاسه خون بود» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۸۰). و یا «خون چشم‌های

کسی را گرفتن: کنایه از در کمال شدت خشمناک شدن» (امینی، ۱۳۳۹: ۲۴۴).

مقایسه: در هر سه زبان این کنایه در مورد فردی به کار می‌رود که بابت موضوعی سخت عصبانی شده باشد.

۲۴- تاتی لرد: čašm.ān čāhār ākardar

برگردان فارسی: چشم‌هایش را چهار می‌کند.

معنای کنایی: یعنی دقت فراوان به خرج دادن و تعجب نمودن (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۰۴).

تالشی عنبران: čō čašya bay

برگردان فارسی: چشم‌هایش چهار تا شده است. این کنایه را زمانی به کار می‌برند که فرد با امری در نهایت تعجب مواجه شود.

معادل فارسی: «چشم‌ها را چهار کردن، چشم‌هایش چهار شدن: کنایه از انتظار شدید بردن. نهایت متعجب شدن» (جمشیدی‌پور، ۱۳۵۷: ۱۰۵). «چشم چهار شدن» (ثروت، ۱۳۷۵: ۱۵۰).
مقایسه: در هر سه زبان این کنایه در مورد فردی به کار می‌رود که در قبال حادثه و یا خبری تعجب بیش از حد معمول کند.

۲۵- تاتی لرد: šāx bar āvārdan

برگردان فارسی: شاخ در آوردن.

معنای کنایی: کنایه از تعجب بسیار کردن از یک موضوع (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۳۶).

تالشی عنبران: soxem bəvā

برگردان فارسی: شاخ در آوردم.

کاربرد: موقع تعجب بسیار از اتفاق و موضوعی، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «آدم شاخ در می‌آره: تعجب بسیار از شنیدن حرفی غیر قابل قبول» (عظیمی، ۱۳۵۷: ۱۵).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از بسیار تعجب کردن است.

۲۶- تاتی لرد: gar.əš ow šiyar

برگردان فارسی: آب دهانش می‌ریزد.

معنای کنایی: بی‌نهایت شیفته چیزی شدن (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۵۰).

تالشی عنبران: gavōš ūvə šīnay

برگردان فارسی: از دهانش آب سرازیر است.

کاربرد: وقتی که کسی زیادی شیفته چیزی شود و آرزوی داشتنش کند، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «آب از دهان سرازیر شدن: بسیار شیفته چیزی بودن» (عظیمی، ۱۳۵۷: ۱).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از شیفته شدن است.

۲۷- تاتی لرد: šeytān.ə dars dayə

برگردان فارسی: به شیطان درس می‌دهد.

معنای کنایی: یعنی بسیار مکار و حيله‌گر است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۳۸).

تالشی عنبران: əštān sokoan tārsanay

برگردان فارسی: شیطان از او درس گرفته است.

کاربرد: موقعی که بخواهند حيله‌گری کسی را بیان کنند استفاده می‌کنند.

معادل فارسی: «شیطان را درس دادن: بسیار مکار و حيله‌گر بودن» (خضرای، ۱۳۸۲: ۷۲۶).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از مکر زیاد و حيله‌گری است.

۲۸- تاتی لرد: fəlān.kas xodā katayə

برگردان فارسی: فلانی را خدا گرفته است.

معنای کنایی: یعنی انگار فلانی خودش را باخته و اجلس فرا رسیده است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۴۳).

تالشی عنبران: xedō av gatay

برگردان فارسی: خدا او را گرفته است.

کاربرد: موقعی که کسی نفهمد چه می‌کند و خود را دچار بلای ناگهانی کند، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «خداگیر: کنایه از کسی که به بلای آسمانی و آفت ناگهانی گرفتار شود» (ثروت، ۱۳۷۵: ۱۷۵).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از گرفتار شدن در بلای ناگهانی است.

۲۹- تاتی لرد: ča noxta vəsa

برگردان فارسی: افسار او گسیخته است.

معنای کنایی: یعنی او آدم ولگرد و هرزه‌گردی است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۱۸).

تالشی عنبران: nextaš siya

برگردان فارسی: افسارش پاره شد.

کاربرد: زمانی که کسی بی‌نظم باشد و کنترلی بر رفتار خود نداشته باشد و سرخود عمل کند، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «افسار گسیخته: کنایه از بی‌نظمی، لاپالی، سرخود» (ثروت، ۱۳۷۵: ۳۶).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از آدم سرخود، ولگرد و بی‌نظم آمده است.

۳۰- تاتی لرد: muz par nizziyar

برگردان فارسی: مگس پر نمی‌زند.

معنای کنایی: یعنی بسیار خلوت است و سکوت کامل حاکم می‌باشد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۵۷).

تالشی عنبران: muz ayō paranani

برگردان فارسی: مگس آنجا پر نمی‌زند.

کاربرد: برای این که خلوت بودن جایی را توصیف کنند گفته می‌شود.

معادل فارسی: «مگس پر نمی‌زند: جایی بسیار خلوت و خالی از هر جنبنده‌ای» (خضرای، ۱۳۸۲: ۱۰۸۲).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از خلوت بودن و سکوت محض است.

۳۱- تاتی لرد: zuān.ək.əm mi arāmə

برگردان فارسی: زبانم مو در آورد.

معنای کنایی: یعنی خیلی به فلانی پند دادم و نصیحت کردم ولی در او اثر نکرد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۳۱).

تالشی عنبران: zevonem mō bəvārd

برگردان فارسی: زبانم مو در آورد.

کاربرد: موقعی که کسی بسیار بگوید اما اثر نداشته باشد، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «مو از زبان بر آوردن: حرف زیاد زدن و بسیار گفتن و فایده نکردن» (ثروت، ۱۳۷۵: ۴۶۳).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از زیاد گفتنی است که اثر نداشته است.

۳۲- تاتی لرد: čašm.ə.ša rā.kā

برگردان فارسی: چشمش به راه دوخته شده است.

معنای کنایی: انتظار کسی را کشیدن (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۰۵).

تالشی عنبران: čašeš ba rō kāna

برگردان فارسی: چشم به راه دوخته است.

کاربرد: موقع انتظار طولانی برای آمدن کسی و یا درست شدن شرایطی گفته می‌شود.

معادل فارسی: «چشم براه داشتن: در انتظار چیزی یا کسی بودن» (جمشیدی پور، ۱۳۵۷: ۱۰۳).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از انتظار طولانی است.

۳۳- تاتی لرد: čaši kašti.š qarq ābiyandə

برگردان فارسی: گویی کشتی‌هایش غرق شده‌اند.

معنای کنایی: کنایه از غم و ناراحتی زیاد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۳۵).

تالشی عنبران: gamiveš ašan

برگردان فارسی: کشتی‌هایش غرق شده‌اند.

کاربرد: زمانی یکی خیلی ناراحت و غمگین باشد و علت خاصی برای ناراحتی خود نداشته باشد، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «کشتی کسی در دریا غرق شدن: کنایه از غصه داشتن، غمگین بودن» (ثروت، ۱۳۷۵: ۳۹۳).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از غم و غصه زیاد است.

۳۴- تاتی لرد: vini.š bigiri, nafas.əš barši

برگردان فارسی: اگر بینی‌اش را بگیری، نفسش در می‌آید.

معنای کنایی: یعنی به قدری ضعیف و نحیف است که در مقابل اندک ناملايمات، قالب تهی می‌کند (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۶۴).

تالشی عنبران: čavə veni begatuš nafaseš bašə

برگردان فارسی: بینی‌اش را بگیری نفس‌اش می‌رود.

معنای کنایی: ضعیف و لاغر بودن.

کاربرد: زمانی که فرد لاغری، خودی نشان دهد گفته می‌شود.

معادل فارسی: «بینی‌اش را بگیری جانش در می‌رود: بی‌نهایت لاغر و ناتوان است» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۱۹۰).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از ضعیف و لاغر بودن است.

۳۵- تاتی لرد: lāva čūrig.ə barāvarə

برگردان فارسی: یعنی بیش از حد روده درازی می‌کند.

معنای کنایی: کنایه از آدم بسیار وراج و پر حرف (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۵۴).

تالشی عنبران: čavə rūya derūzə

برگردان فارسی: روده او دراز است.

معنای کنایی: پر حرف است.

کاربرد: زمانی که فردی پر حرفی و یاوه‌گویی کند، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «**روده‌درازی کردن:** پر حرفی کردن، پرگو» (امینی، ۱۳۳۹: ۳۱۲).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از پر حرفی و وراچی کردن است.

۳۶- تاتی لرد: zuān.ə.na mār.ə. xola.k barāvarə

برگردان فارسی: با زبان خود مار را از سوراخ در می‌آورد.

معنای کنایی: بسیار نرم‌زبان و خوش‌برخورد است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۳۲).

تالشی عنبران: eštān zevonanda mōre ča helō bemavāy

برگردان فارسی: با زبانش مار را از سوراخ بیرون می‌آورد.

کاربرد: در مورد شخصی که با نرمی و خوش‌زبانی مشکلات را حل کند، به کار می‌رود.

معادل فارسی: «**با زبان خوش ما را هم می‌توان از لانه‌اش بیرون کشید**» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از خوش‌زبانی است.

۳۷- تاتی لرد: ča dim.ə parda zarsā

برگردان فارسی: پرده صورتش پاره شده است.

معنای کنایی: خیلی بی‌حیا و بی‌شرم و آبرو است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۹۷).

تالشی عنبران: diməš ūv pəgata

برگردان فارسی: آب صورتش را برداشته.

معنای کنایی: از بین رفتن حجب و حیا در کسی.

کاربرد: زمانی که زنی روبند خود را بردارد و مدام بدون پروا حرف بزند گفته می‌شود.

معادل فارسی: «**پرده برگرفتن:** کنایه از بی‌شرمی و بی‌رویی کردن است» (ثروت، ۱۳۷۵: ۹۰).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از بی‌حیایی و بی‌آبرو بودن است.

۳۸- تاتی لرد: ōw.əšān i jūye.k niši

برگردان فارسی: آبشان در یک جوی نمی‌رود.

معنای کنایی: یعنی آن دو با هم هیچ‌گونه سازگاری رفتاری ندارند (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۹۲).

تالشی عنبران: ōvešon iy jueu nibašə

برگردان فارسی: آب آن‌ها از یک جوی نمی‌رود.

کاربرد: در زمان عدم سازش دو نفر باهم گفته می‌شود.

معادل فارسی: «**آبشان از توی یک جوی نمی‌رود:** کنایه از کسانی که با هم هماهنگ و همدل نیستند و

همیشه با هم دعوا دارند و مخالف یک‌دیگر هستند گفته می‌شود» (رحماندوست، ۱۳۹۰: ۱۵).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از نهایت ترسو بودن است و نسبت به همه چیز سوءظن داشتن.

۳۹- تاتی لرد: səba pussa.š barkarda.əštan dim.ək

برگردان فارسی: پوستین سگ بر چهره خود پوشانده است.

معنای کنایی: یعنی بسیار پررو و ستیزه‌جو و بی‌شرم است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۲۱).

تالشی عنبران: sepa diməšə həst

برگردان فارسی: روی سگ دارد.

معنای کنایی: بسیار پررو است.

کاربرد: وقتی کسی را طرد کنی باز به سوی تو آید گفته می‌شود.

معادل فارسی: «پوستین سگ به روی خود کشیدن: کنایه از به شدت وقیح و پررو شدن» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۲۱۰).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از بی‌شرم بودن کسی است.

۴۰- تاتی لرد: čavə aql, ča čašm.ān.kə

برگردان فارسی: عقل او در چشمان اوست.

معنای کنایی: یعنی ظاهرپسند و کوتاه‌بین است و زود فریب می‌خورد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۱۴).

تالشی عنبران: aqləš ba žašōnə

برگردان فارسی: عقل او به چشمان اوست.

معنای کنایی: ظاهرین است و آنچه را می‌بیند قبول می‌کند و دنبال حقیقت و منطق نیست.

کاربرد: وقتی کسی قوه تشخیص نداشته باشد، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «عقلش به چشمش است: یعنی آنچه را ببیند قبول دارد» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۵۴۴).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از ظاهرینی می‌باشد و کسی که به راحتی تحت تأثیر آنچه می‌بیند قرار بگیرد.

۲-۴. کنایه‌های نوع دوم

در این قسمت ۱۲ کنایه از سه زبان مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- تاتی لرد: qajala beyn.əš xarda

برگردان فارسی: مغز زاغ خورده است.

معنای کنایی: یعنی فلانی خیلی پُر حرف و وراج است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۴۷).

تالشی عنبران: kačalə māyzešə hārda

برگردان فارسی: مغز زاغ را خورده است.

معنای کنایی: زیاد حرف می‌زند.

کاربرد: زمانی که کسی پر چانه باشد و مدام حرف‌های بی‌معنی بزند گفته می‌شود.

معادل فارسی: «مغز گنجشک خورده: بس دراز می‌گوید» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۷۱۹).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از زیاد حرف زدن است و تنها فرقی که احساس می‌شود این است که اسم پرنده به کار رفته در زبان فارسی از زاغ به گنجشک تغییر کرده است.

۲- تاتی لرد: šeytān.ə rā kolā dujə

برگردان فارسی: برای شیطان کلاه می‌دوزد.

معنای کنایی: یعنی در فریب‌کاری و کلاه‌برداری، دست شیطان را از پشت می‌بندد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۳۹).

تالشی عنبران: šaytōnə ro kelō dōtina

برگردان فارسی: برای شیطان کلاه می‌دوزد.

معادل فارسی: «پاپوش برای شیطان می‌دوزد: نهایت حيله‌گری و دسيسه کردن» (جمشیدی‌پور، ۱۳۵۷: ۷۶).

مقایسه: در هر سه زبان این کنایه در مورد افرادی به کار می‌رود که بسیار حيله‌گرند و کارهایشان را با دسيسه پیش می‌برند. در زبان فارسی پاپوش جایگزین کلمه کلاه شده است.

۳- تاتی لرد: ang.a lāna rā das dərāz āmaka

برگردان فارسی: به طرف لانه زنبور دست دراز نکن.

معنای کنایی: یعنی با سخنان و رفتار نامناسب، دیگران را علیه خود تحریک نکن (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۹۲).

تالشی عنبران: čō damku ba bezānge lōna

برگردان فارسی: چوب داخل لانه زنبور نکن.

معنای کنایی: آشوب درست نکن.

کاربرد: زمانی که اتفاقی باعث برهم‌خوردن نظم موجود شده و همه چیز به هم می‌ریزد، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «چوب در سوراخ زنبور کردن» (امینی، ۱۳۳۹: ۲۰۰).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از آشوب به پا نکردن است. در زبان تاتی، دست جایگزین چوب شده است.

۴- تاتی لرد: ātaš.ə fi dəkadar

برگردان فارسی: به آتش می‌دمد.

معنای کنایی: یعنی فلانی باعث شعله‌ور شدن آتش خشم بین دو نفر شده و فتنه‌انگیزی می‌کند (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۷۴).

تالشی عنبران: ba ōtašə fō žanay

برگردان فارسی: به آتش می‌دمد.

کاربرد: موقعی که کسی فتنه‌انگیزی کند و مثل منافق عمل کند، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «آتش را دامن زدن: موجب شدت فتنه شدن» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۹).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه در مورد فتنه‌انگیزی می‌باشد؛ با این تفاوت که در زبان فارسی «دامن» جایگزین «باد» شده است.

۵- تاتی لرد: yav.ə divār.ə.na rā barə

برگردان فارسی: جو را در روی دیوار به حرکت در می‌آورد.

معنای کنایی: یعنی مثل جادوگرها کارهای خارق‌العاده انجام می‌دهد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۷۲).

تالشی عنبران: yave ba do bākāna

برگردان فارسی: جو را به اندازه درخت می‌کند.

کاربرد: اغراق در توصیف چیزی و گاهی هم در معنی کار بزرگی انجام دادن است به صورت زبانی نه عملاً.

معادل فارسی: «از کاهی کوهی ساختن: چیز کوچک و کم اهمیتی را بسیار بزرگ و مهم جلوه دادن» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۶۱).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از چیزی بی‌اهمیت و کوچک را بزرگ جلوه دادن است؛ با این تفاوت که در زبان فارسی کلمه «کاه» جای کلمه «جو» را گرفته است.

۶- تاتی لرد: xar.ə čə zāniya, rangin.a pālān čiyə

برگردان فارسی: خر چه می‌داند که پالان رنگین چه ارزشی دارد!

معنای کنایی: یعنی افراد نادان نمی‌توانند قدر و ارزش نعمت‌های خوب را درک کنند (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۰۵).

تالشی عنبران: ha čə zena halemdor čə

برگردان فارسی: خر ارزش آویشن را نمی‌داند.

کاربرد: در مورد کسی که نادان است و ارزش محبت و چیزهای خوب را نمی‌داند، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «خر چه داند قیمت قند و نبات» (شکورزاده بلوری، ۱۳۷۲: ۳۲۴).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از اینکه نادان ارزش خوبی‌ها را نمی‌داند، کلمه مورد بحث در این کنایه در هر سه زبان متفاوت است به این صورت که تالشان از کلمه آویشن استفاده کرده‌اند و تات‌زبانان از پالان رنگین و فارسی‌زبانان از قند و نبات استفاده کرده‌اند.

۷- تاتی لرد: dava bār.ə na xarə

برگردان فارسی: شتر را با بارش می‌خورد.

معنای کنایی: کنایه از آدم حریص و طمع‌کار است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۱۵).

تالشی عنبران: ha bōanda bāhāy

برگردان فارسی: خر را با بارش می‌خورد.

کاربرد: درباره کسی به کار می‌رود که به دنبال فرصت برای به دست آوردن مال مفت است و یا برای دزدی از دیگران باشد.

معادل فارسی: «خر را با بارش می‌خورد» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۸۸۴).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از آدم حریص و طمع‌کار است، به طوری که برای رساندن مضمون طمع‌کار در زبان فارسی و تالشی از بار خر استفاده شده ولی در زبان تاتی از بار شتر استفاده کرده‌اند.

۸- تاتی لرد: ǝstan sādima.k tarsar

برگردان فارسی: سگ بر دروازه ما شاشیده است.

معنای کنایی: یعنی همه کارهای ما گره خورده است و بدقابلی به ما روی آورده است و کار و کاسبی ما از رونق افتاده است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۱۲۱).

تالشی عنبران: sepa bamān čōmōnə pəšānda

برگردان فارسی: سگ به من ادرار پاشید.

کاربرد: در مورد فردی به کار می‌رود که پشت سرهم برایش مشکل بوجود می‌آید، و بی‌مورد کسی با او دعوا کند گفته می‌شود.

معادل فارسی: «سگ بر جارو ریده و گربه بر پارو» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۱۹۵).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از بد آوردن و بدقابلی است. در زبان فارسی به جای ضمیر شخصی از اسامی ابزار استفاده شده است.

۹- تاتی لرد: av.ək zəmsān.ə rā zassār nibi arakatan.

برگردان فارسی: در زمستان هم نمی‌شود از او یخ گرفت.

معنای کنایی: اشاره به شخص بسیار خسیس که هیچ‌گونه گرم و گذشت و بخششی ندارد (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۵۱).

تالشی عنبران: zemāstun vā ba qāvz nibadū

برگردان فارسی: زمستان برف را قرض نمی‌دهد.

معنای کنایی: بسیار خسیس بودن.

کاربرد: وقتی کسی از امانت دادن کالای خود امتناع کند و یا نتوان از او کمکی گرفت، به کار می‌رود.

معادل فارسی: «آب از دست کسی نچکیدن: کنایه از بسیار خسیس و ممسک بودن او و چیزی به کسی ندادن» (انوری، ۱۳۸۳: ۲). «دست بگیر داشتن: خسیس بودن و فقط از دیگران گرفتن و چیزی ندادن» (همان، ۵۹۹).
مقایسه: در هر سه زبان کنایه از بسیار خسیس بودن است. در زبان تاتی از یخ زمستان، تالشی برف زمستان و فارسی از آب استفاده شده است.

۱۰- تاتی لرد: ǝm bar.ə.na barkaei.š a barja.na āyǝ.

برگردان فارسی: از این در بیرونش می‌کنی، از آن دریچه می‌آید.

معنای کنایی: یعنی فلانی خیلی سمج و پررو است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۴۵).

تالشی عنبران: baū žanaš kelō ūmanay

برگردان فارسی: از در می‌زنی از دریچه می‌آید.

کاربرد: در مورد افراد سمج که از رو نمی‌روند وقتی که طردش کنی باز به سوی تو آید گفته می‌شود.

معادل فارسی: «گرم برانی از این در، در آیم از در دیگر: کنایه از افراد سمج» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۶۲۹).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از سماجت و پررو بودن فرد است. زبان فارسی به جای دریچه پشت بام از در دوم استفاده کرده است.

۱۱- تاتی لرد: muz.ə āsmān.ək zanə

برگردان فارسی: مگس را در آسمان شکار می‌کند.

معنای کنایی: یعنی فلانی بسیار باهوش و زیرک و ماهر است و حواسش جمع است (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۵۷).

تالشی عنبران: av muzə ōsmonanda žana

برگردان فارسی: او مگس را در آسمان می‌زند.

کاربرد: در مورد افراد زیرک و گاهی هم حيله‌گر گفته می‌شود.

معادل فارسی: «پشه را تو هوا نعل کردن: کنایه از ناممکن را با تدبیر ممکن کردن، در حيله و تزویر استاد بودن» (خضرای، ۱۳۸۲: ۲۳۲).

مقایسه: در هر سه زبان کنایه از زیرکی و گاهی هم کنایه از حيله‌گری است. در زبان فارسی پشه را جایگزین مگس کرده‌اند.

۱۲- تاتی لرد: šeytān.ə xar.ək bur jir

برگردان فارسی: از خر شیطان بیا پایین.

معنای کنایی: یعنی شر به پا نکن (معراجی لرد، ۱۴۰۲: ۲۳۸).

تالشی عنبران: šaytunə āsbo aši

برگردان فارسی: از اسب شیطان پیاده شو.

کاربرد: زمانی که از کسی بخواهند دست از لجاجت بردارد و آشوب نکند، گفته می‌شود.

معادل فارسی: «از خر شیطان پیاده شدن: کنایه از صرف‌نظر کردن از لجاجت و تن دادن به مصلحت است» (نجفی، ۱۳۷۸: ۵۳۹).

مقایسه: در این کنایه کلمه کلیدی در زبان تاتی و فارسی خر است، ولی در زبان تالشی اسب می‌باشد و در هر سه زبان کنایه از لجاجت نکردن است.

۳-۴. کنایه‌های نوع سوم

نوزده مورد از کنایات مختص گویش تاتی که به‌صورت میدانی از گویشوران تاتی جمع‌آوری شده، در این جا از نظر می‌گذرند.

۱- nazadə moraqə

برگردان فارسی: قبل از نواخته شدن آهنگ او می‌رقصد.

معنای کنایی: کنایه از آدم بهانه‌جو و فرصت‌طلب است (رحیمی، منطقه عمارلو).

۲- yā dagorānim yā dakošānim

برگردان فارسی: یا آتش را روشن می‌کنیم یا خاموش.

معنای کنایی: کنایه از این که منتظر گذر زمان نیستیم و بیکار نمی‌مانیم، بالاخره یک کاری انجام می‌دهیم (رحیمی، منطقه عمارلو).

۳- gorgi dāhān mošui bar miyāy

برگردان فارسی: اگر در دهان گرگ هم برود بیرون می‌آید.
معنای کنایی: کنایه از شجاعت و زرنگی است (رحیمی، منطقه عمارلو).

۴- ča perdə sar perd pinam

برگردان فارسی: روی پل او پل می‌گذارم.
معنای کنایی: کنایه از این که نقشه و توطئه کسی را از بین بردن (خدایی، منطقه کلور).

۵- peču das māya kalla ānerasi vāji surə

برگردان فارسی: گربه دستش به کله ماهی نمی‌رسید می‌گفت شور است.
معنای کنایی: کنایه از عیب‌جویی بی‌دلیل و منطق (خدایی، منطقه کلور).

۶- te barm rubār bi āv āgārdenem

برگردان فارسی: تو را می‌برم رودخانه بدون آب برمی‌گردانم (تشنه برمی‌گردانم).
معنای کنایی: کنایه از زرنگی همراه با حيله (خدایی، منطقه کلور).

۷- enjāku čamarā, āv banerā

برگردان فارسی: از این‌جا برایم آبی در نمی‌آید.
معنای کنایی: کنایه از ناامید شدن از کاری یا کسی (خدایی، منطقه کلور).

۸- ātaš.a šey.əš dəkard

برگردان فارسی: اسب را نمی‌توان به درخت او بست.
معنای کنایی: کنایه از غیر قابل اعتماد بودن کسی. (خدایی، منطقه کلور).

۹- marda xare pāsar zani

برگردان فارسی: به خر مرده لگد می‌زنی.
معنای کنایی: کنایه از فرصت طلبی (خدایی، منطقه کلور).

۱۰- na barrə, na dujə

برگردان فارسی: نه می‌برد نه می‌دوزد.
معنای کنایی: کنایه از آدم بی‌فایده، که تن به هیچ کاری ندهد.

anə šorə, čakalo mānə – ۱۱

برگردان فارسی: شبیه به قاشق نشسته است.
معنای کنایی: کنایه از گستاخی و بی‌شرمی.

kalə xō – ۱۲

برگردان فارسی: خوک نر.
معنای کنایی: کنایه از افراد غیر اجتماعی.

kunisina – ۱۳

برگردان فارسی: خودش را روی زمین می‌کشد.
معنای کنایی: کنایه از ناتوانی و زمین‌گیر شدن.

mučə xā – ۱۴

برگردان فارسی: تخم گنجشک.
معنای کنایی: کنایه از بسیار ریز و کوچک، و به گفته خود گویشور: ریز می‌ز.

varaš varə ʔādā – ۱۵

برگردان فارسی: بره را به گرگ داد.
معنای کنایی: کنایه از دست دادن مال و منال.

kargə kallə – ۱۶

برگردان فارسی: کله مرغ.
معنای کنایی: کنایه از کم فکر.

zarda alālə – ۱۷

برگردان فارسی: گل‌زرد.
معنای کنایی: کنایه از رخ زرد شده.

vašeš gatə – ۱۸

برگردان فارسی: آتش گرفته.
معنای کنایی: کنایه از ناآرام بودن.

najōšə – ۱۹

برگردان فارسی: نمی‌جوشد.

معنای کنایی: کنایه از هماهنگ نبودن است.

۴-۴. کنایات مختص گویش تالشی

کنایه‌های زیر از گویش تالشی به صورت میدانی از گویشوران عنبرانی جمع‌آوری شده‌اند:

۱ – āsta leština

برگردان فارسی: استخوان می‌لیسد.

معنای کنایی: فقیر شدن. کاربرد: برای آدمی که بسیار فقیر شده است به کار می‌رود.

۲ – ālə žay av

برگردان فارسی: آل (دیو) او را زده.

معنای کنایی: بسیار ضعیف و لاغر شدن. کاربرد: برای آدمی که به خاطر مریض شدن بسیار ضعیف شده باشد به کار می‌رود.

۳ – āla bula

برگردان فارسی: نداشتن شکل و شمایل مناسب.

معنای کنایی: وقتی که کسی یا چیزی دلنشین نباشد و شکل و ساختار و رنگش به هم نیایند گفته می‌شود. چون دیو و جن شکل مناسبی ندارند و به این موجودات در نزد تالشان آل گفته می‌شود در کل چیزها و انسان‌های بی‌شکل و بی‌نظم را به آل شباهت می‌کنند.

کاربرد: زمانی که چیزی دلنشین نباشد و یا کاری درست انجام نشود گفته می‌شود.

۴ – ūtašə say

برگردان فارسی: روی آتش است.

معنای کنایی: کسی که عجول و شتابان و دستپاچه است.

کاربرد: وقتی کسی نگران و سرشار از دغدغه خاطر باشد گفته می‌شود.

۵ – ana šešta kiča

برگردان فارسی: قاشق نشسته.

معنای کنایی: کسی که حرمت خود را نگه نمی‌دارد.

کاربرد: زمانی که کسی در کارهای دیگران نظر دهد و دخالت کند گفته می‌شود.

۶ – ča sašōn sema darutay

برگردان فارسی: در سر او کاه ریخته‌اند.

معنای کنایی: کنایه از بی‌عقل بودن.

کاربرد: زمانی که کسی کارها را درست انجام ندهد و با توضیح نیز متوجه نشود گفته می‌شود.

۷ – av tārseko uya nona

برگردان فارسی: او از ترس تخم می‌گذارد.

معنای کنایی: بسیار ترس داشتن.

کاربرد: وقتی که کسی از اتفاق و یا چیزی بسیار بترسد گفته می‌شود.

۸ – bavero jiga həst

برگردان فارسی: برای او جگر هست.

معنای کنایی: جرأت داشتن و نترسیدن.

کاربرد: وقتی کسی از شرایط بد هراسی نداشته باشد گفته می‌شود.

۹ – leng nibabə ba čāmon gū daqāndə.

برگردان فارسی: پا رو مدفوع او نمی‌شود گذاشت.

معنای کنایی: در کارهایش نمی‌شود دخالت کرد.

کاربرد: کسی که به همه شک کند و اجازه دخالت را در امور خود ندهد گفته می‌شود.

۱۰ – čašə deleš pūrə

برگردان فارسی: چشم و دلش پُر است.

معنای کنایی: مناعت طبع داشتن.

کاربرد: زمانی که کسی به مسائل اطرافش بی‌توجه باشد.

۱۱ – baveroš čül kānday

برگردان فارسی: برای او چاه کنده است.

معنای کنایی: برای کسی مشکل درست کردن.

کاربرد: زمانی که کسی برای رقیب خودش مشکل درست کند و جلوی پیشرفت او را بگیرد گفته می‌شود.

۱۲ – rəqal

برگردان فارسی: گاو نر پرواری.

معنای کنایی: جوان پُر زور.

کاربرد: وقتی که کسی خشن باشد و خشونت خود را با زور نشان دهد گفته می‌شود.

۱۳ – av daginə ba bāndə kū

برگردان فارسی: او به کوه و بیابان زده.

معنای کنایی: دیوانه شدن.

کاربرد: زمانی که کسی از حالت عادی خود خارج شود گفته می‌شود.

۱۴ – denyo dū

برگردان فارسی: درخت دنیا.

معنای کنایی: کسی که عمر زیادی دارد.

کاربرد: فردی که در زمان پیری خود سرحال باشد گفته می‌شود.

۱۵ – av sa dima žən

برگردان فارسی: او زن صورت سرخ است.

معنای کنایی: زن بی‌شرم و حیا.

کاربرد: زمانی که زنی بدون ترس و بی‌شرمانه کاری انجام دهد گفته می‌شود.

۱۶ – avə šālō avātay

برگردان فارسی: او شلوارش را در آورده.

معنای کنایی: فرد بی‌شرم و بی‌حیا.

کاربرد: زمانی که فردی بی‌دلیل به همه بد و بیراه بگوید و توهین کند گفته می‌شود.

۱۷ – gaveš ašgota

برگردان فارسی: دهنش را زیادی باز کرده.

معنای کنایی: خندیدن بی‌مورد و یا حرف زدن زیادی و گریه و زاری.

کاربرد: زمانی که کسی گریه و یا خنده بی‌مورد بکند گفته می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

با تطبیق کنایات زبان تاتی و تالشی عنبران با زبان فارسی، مشخص شد که زبان تاتی و تالشی عنبران به عنوان یکی از زبان‌های شمال غربی ایران، با زبان فارسی دادوستدهای زبانی گسترده‌ای داشته‌اند. با بررسی ۵۲ کنایه از کنایات مشترک بین این زبان‌ها، نکات مهمی در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی و زبانی مشخص شد و با وجود اختلاف ظاهری، ریشه همه آن‌ها یکی است و شباهت‌های لغوی و نحوی و مفهوم بسیار نزدیکی دارند، که این خود نشان‌دهنده نیای مشترک این زبان‌ها می‌باشد و از سوی دیگر نشان‌دهنده کثرت تبادلات فرهنگی اقوام ایران زمین و تأثیر آن‌ها بر همدیگر است، اما این دلیل بر مشترک بودن تمام کنایه‌ها بین این زبان‌ها نیست. مسلماً کنایه‌های متعددی هستند که مختص زبان تالشی عنبران و زبان تاتی است که معادلی از آن در زبان فارسی یافت نمی‌شود. در این پژوهش نمونه‌هایی از این دست کنایه‌ها نیز بررسی شد. در زبان تالشی عنبران به مانند: «رَقَل: rəqal» به معنای گاو نر پرواری. معنای کنایی: جوان پر زور، در زبان فارسی معادلی ندارد. در زبان تاتی به مانند: «زردَ علاله: zarda alālə» به معنای گل زرد، معنای کنایی: کنایه از رخ زردشده و بسیاری از این دست در این نوشته مورد بررسی قرار گرفتند. پس با مقایسه و تطبیق کنایات این زبان‌ها، کمک شایانی به حفظ فرهنگ و عقاید ملی یک سرزمین می‌شود و باعث رشد فرهنگ و محافظت از ادبیات شفاهی اقوام ایرانی می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت کرده‌اند.

تعارض منافع

بر مبنای اظهار نظر نگارندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۷). *زبان باز پژوهشی درباره زبان و مدرنی*. تهران: نشر مرکز.
- امینی، امیرقلی (۱۳۳۹). *فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی.
- انوری، حسن. (۱۳۸۳). *فرهنگ کنایات سخن*. تهران: انتشارات سخن.
- بازن، مارسل (۱۳۶۷). *طالاش منطقه‌ای قومی در شمال ایران*. ترجمه مظفر امین فرشچیان. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- بشیرنژاد، حسین (۱۳۸۳). «زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض». *فصل‌نامه فرهنگ مردم ایران*، (۵-۶)، ۶۵-۸۴.
- بلوکباشی، علی (۱۳۷۷). *معرفی و نقد آثاری در ادبیات مردم‌شناسی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ثروت، منصور (۱۳۷۵). *فرهنگ کنایات*. چاپ دوم، با بازنگری و افزایش. تهران: انتشارات سخن.
- جمشیدی‌پور، یوسف (۱۳۵۷). *فرهنگ امثال فارسی*. تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
- خان‌بازاده، افشین، نظامی عنبران، مهناز (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی کنایات زبان تالشی شمالی با کنایات زبان فارسی». *پژوهش‌نامه بختیاری‌شناسی و اقوام ایرانی*، ۱ (۲)، ۱۷۷-۲۰۴.
- (۱۴۰۲ الف). «واژگان باستانی بازمانده در ضرب‌المثل‌های تالشی شمالی». *گویش‌شناسی و ادبیات عامیانه*، ۲ (۱)، ۱۸۹-۲۰۶.
- (۱۴۰۲ ب). «بررسی تطبیقی کنایات زبان تالشی شمالی با کنایات زبان سیستانی و فارسی». *پژوهش‌های زبانی و ادبیات کاربردی*، ۲ (۱)، ۴۳-۶۶.
- خان‌بازاده، کیومرث (۱۳۹۷). «بررسی و تطبیق چند ضرب‌المثل تالشی و فارسی». *فصل‌نامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، (۲۰)، ۳۸-۲۵.
- خضایی، امین (۱۳۸۲). *فرهنگ‌نامه امثال و حکم ایرانی*. شیراز: انتشارات نوید.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۳). *امثال و حکم*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ذکاء، یحیی (۱۳۷۹). *جستارهایی درباره زبان مردم آذربایگان با مقدمه محمدامین ریاحی*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*. تهران: انتشارات معین.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۰). *فوت و فن گوزه‌گری*. تهران: انتشارات مدرسه.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۹۰). *زبان تالشی توصیف گویش مرکزی*. رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- سبزعلی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۹۵). *راهنمای گویش‌شناسی*. رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- (۱۳۸۹). *زبان تاتی توصیف گویش تاتی رودبار*. رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- (۱۴۰۲). «گستره جغرافیایی زبان تاتی و ارتباط آن با زبان پهلوی اشکانی (پارتی)». *نشریه زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۱۵ (۱)، ۵۳-۹۴.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: انتشارات آگه.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۷۲). *ده هزار مثل فارسی*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شیخ سنگ‌تجن، شهین (۱۳۹۵). *بررسی واج‌شناسی غیر خطی در آواهای گویش تالشی*. رشت: نشر ایلیا.
- طرقدار، ضیاء (۱۳۹۶). *از آستارا تا فومن (تطبیق واژه‌هایی از گویش‌های مختلف زبان‌های تالشی و تاتی)*. رشت: نشر ایلیا.

- عبدلی، علی (۱۳۶۳). *فرهنگ تاتی و تالشی*. بندانزلی: انتشارات دهخدا.
- (۱۳۸۰). *ادبیات تات و تالش: ایران و جمهوری آذربایجان*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- (۱۳۸۹). *تات‌های ایران و قفقاز*. تهران: انتشارات مهدی رضایی.
- عظیمی، صادق (۱۳۸۲). *فرهنگ بیست‌هزار مثل و حکمت و اصطلاح*. تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک‌گیل.
- کسروی تبریزی، سید احمد (۱۳۷۹). *زبان پاک - آذری زبان باستان - نام شهرها و دیه‌های ایران*. تهران: انتشارات فردوس.
- ماسالی، علی (۱۳۹۵). *سیری در فرهنگ تاریخ و جغرافیای تاریخی تالش*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- معراجی لرد، جواد (۱۳۸۸). *فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی*. رشت: انتشارات بلور.
- (۱۴۰۲). *گنجینه‌ای از حکمت تات*. خلخال: انتشارات بلاغ خلخال.
- میرزانی، منصور (۱۳۷۸). *فرهنگنامه کنایه*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: انتشارات نیلوفر.
- نصرتی سیاهمزی، علی (۱۴۰۲). «نسبت گونه‌های موسوم به تاتی خلخال با زبان تالشی». *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۸ (۱)، ۲۵ - ۶۱.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: اهورا.

- Abdoli, A. (1984). *Dictionary of Tati and Taleshi*. Bandar-e Anzali: Dehkhoda Publications. [In Persian]
- (2001). *Tati and Taleshi Literature: Iran and the Republic of Azerbaijan*. Tehran: Enteshar Joint Stock Company. [In Persian]
- (2010). *The Tats of Iran and the Caucasus*. Tehran: Mehdi Rezaei Publishing. [In Persian]
- Amini, A.Q. (1960). *Farhang-e Avam, or An Interpretation of Proverbs and Idiomatic Expressions in Persian*. Tehran: Ali-Akbar Elmi Press. [In Persian]
- Anvari, H. (2004). *Sokhan Dictionary of Idioms*. Tehran: Sokhan Publications. [In Persian]
- Ashouri, D. (2008). *The Open Language: A Study of Language and Modernity*. Tehran: Nashr-e Markaz. [In Persian]
- Azimi, S. (2003). *A Dictionary of Twenty Thousand Proverbs, Maxims, and Idiomatic Expressions*. Tehran: Institute for Islamic Studies, University of Tehran-McGill University. [In Persian]
- Bashirnejad, H. (2004). "Iranian Local Languages and the Threat of Extinction." *Quarterly Journal of Iranian Folk Culture*, (5-6), 65-84. [In Persian]
- Bazin, M. (1988). *Talesh: An Ethnic Region in Northern Iran*. Translated by Dr. Mozafar Amin Farshchian. Mashhad: Astan Quds Razavi Printing and Publishing Institute. [In Persian]
- Bolukbashi, A. (1998). *Introduction to and Criticism of Works in Folklore Studies*. Tehran: Cultural Research Office. [In Persian]
- Dehkhoda, A. A. (1984). *Amsāl o Hekam*. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
- Homāyī, J. (2010). *Rhetorical Devices and Literary Figures*. Tehran: Ahura Publications. [In Persian]
- Jamshidipour, Y. (1978). *Dictionary of Persian Proverbs*. Tehran: Forughi bookshop. [In Persian]
- Kasravi Tabrizi, S. A. (2000). *Pure Language; Āzari, the Ancient Language; The Names of the Cities and Villages of Iran*. 2nd ed. Tehran: Ferdows Publishing. [In Persian]
- Khanbabazadeh, K. (2018). "A Comparative Study of Several Talysh and Persian Proverbs." *Quarterly Journal of Iranian Local Languages and Literatures*, (20), 25-38.
- Khanbabazadeh, A. and M. Nezami Anbaran (2022). "A Comparative Study of Northern Taleshi Idioms and Persian Idioms." *Journal of Bakhtiari Studies and Iranian Ethnic Groups*, 1(2), 177-204. [In Persian]
- (2023 a). "Ancient Lexical Items Preserved in Northern Taleshi Proverbs." *Dialectology and Folklore Literature*, 2(1), 189-206.
- (2023 b). "A Comparative Study of Northern Taleshi Idioms with Sistani and Persian Idioms." *Linguistic Research and Applied Literature*, 2(1), 43-66.
- Khazraī, A. (2003). *Farhang-nāmeḥ-ye Amsāl o Hekam-e Irāni* [A Dictionary of Iranian Proverbs and Maxims]. Shiraz: Navid Publications. [In Persian]

- Masali, A. (2016). *A Journey through the Culture, History, and Historical Geography of Talesh*. Rasht: Farhang-e Ilya Publications. [In Persian]
- Meraji Lord, J. (2009). *A Thematic Tati-Persian Dictionary*. Rasht: Bolur Publishing. [In Persian]
- (2023). *A Treasury of Tati Wisdom*. Khalkhal: Bolagh-e Khalkhal Publications. [In Persian]
- Mirzania, M. (1999). *Farhangnameh-ye Kenayeh* [A Dictionary of Persian Figurative Expressions]. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
- Najafi, A. (1999). *Farhang-e Farsi-ye Amiyaneh* [A Dictionary of Colloquial Persian]. Tehran: Niloufar Publications. [In Persian]
- Nosrati Siyahmazgi, A. (2023). "Relation of the Tati Varieties of Khalkhal with Taleshi Language". *Persian Language and Iranian Dialects*, 8 (1), 25-61. [10.22124/plid.2023.24827.1639](https://doi.org/10.22124/plid.2023.24827.1639) [In Persian]
- Rahmandust, M. (2011). *Fann-o Fan-e Gouzehgari*. Tehran: Madreseh Publications. [In Persian]
- Rezaei Kiseh-Khaleh, M. (2011). *The Taleshi Language: A Description of the Central Dialect*. Rasht: Farhang-e Ilya Publications. [In Persian]
- Sabzehalipour, J. (2007). *The Tati Language: A Description of the Tati Dialect of Rudbar*. Rasht: Farhang-e Ilya. [In Persian]
- (2016). *A Guide to Dialectology*. Rasht: Farhang-e Ilya Publications. [In Persian]
- (2023). "The Geographical range of the Tati language and its connection with The Parthian language". *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 15 (1), 53-94. [10.22067/jlkd.2023.80475.1141](https://doi.org/10.22067/jlkd.2023.80475.1141) [In Persian]
- Sarvat, M. (1996). *Farhang-e Kinayat: A Dictionary of Persian Figurative Expressions*. 2nd ed., revised and expanded. Tehran: Sokhan Publications. [In Persian]
- Shafi 'i Kadkan M. R. (2012). *Imagery in Persian Poetry*. Tehran: Agah Publications. [In Persian]
- Sheikh-Sang-Tajan, Sh. (2016). *A Nonlinear Phonological Analysis of the Sounds of the Taleshi Dialect*. Rasht: Ilya publishing. [In Persian]
- Shokurzadeh Boluri, E. (1993). *Ten Thousand Persian Proverbs*. Mashhad: Astan-e Quds Razavi Publications. [In Persian]
- Targhadar, Z. (2017). *From Astara to Fuman: A Comparative Study of Words from Different Dialects of the Taleshi and Tati Languages*. Rasht: Ilya Publishing, 1st ed. [In Persian]
- Zokā, Y. (2000). *Essays on the Language of the People of Azerbaijan*. With an introduction by Mohammad-Amin Riyahi. Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Foundation. [In Persian]
- Zolfaqari, H. (2009). *The Great Dictionary of Persian Proverbs*. Tehran: Moein Publications. [In Persian]

منابع شفاهی تالشی

- خان‌بازاده، شیرین. متولد ۱۳۸۳. ساکن خرمدره
- خان‌بازاده، شایان. متولد ۱۳۸۵. ساکن خرمدره
- نظامی عنبران، مهناز. متولد ۱۳۵۹. ساکن خرمدره

منابع شفاهی تاتی

- خدایی، محمدرضا. متولد ۱۳۵۹. ساکن رودبار
- رحیمی، مرتضی. متولد ۱۳۶۳. ساکن کرج
- رحمانی، فرشته. متولد ۱۳۵۷. ساکن تاکستان